

## نگرش مفهومی به جایگاه دسترسی در باغ ژاپنی

وحید نوروزی<sup>۱</sup>

محسن نوروزی<sup>۲</sup>

### چکیده

دستیابی به درکی عمیق نسبت به مفهوم دسترسی مستلزم بررسی وجوه پیوند خورده آن با معانی مکانی است که انسان در معرض تجربه‌اش قرار دارد. تجربه مداوم مکان در بستر دسترسی عاملی است که در ارتقای حس دل‌بستگی به مکان تأثیری بنیادین داراست. بررسی‌ها نشان می‌دهند که معماری ژاپن نگرش مفهومی متفاوتی نسبت به موضوع دسترسی ارائه می‌نماید. دسترسی به عنوان عاملی واسطه در ایجاد ارتباط عینی-ذهنی انسان با باغ ژاپنی در مقیاس‌های مختلفی فرد را با مکان در تعامل قرار می‌دهد. در واقع دسترسی در معماری باغ ژاپنی چنان غیرقابل تفکیک از مکان است که از طریق آن می‌توان ابعاد مکان را بی‌واسطه دریافت. از این رو شناخت عمیق مفهوم دسترسی و مؤلفه‌های آن از یک سو و ابعاد دل‌بستگی به مکان از سوی دیگر در باغ ژاپنی می‌تواند موجب افزایش درک معماران نسبت به طراحی مبتنی بر دسترسی - مکان گردد. این مقاله با طرح فرضیه‌های مطرح شده زیر سعی بر آن دارد تا به بررسی رابطه دسترسی و مکان در معماری باغ ژاپنی بپردازد. الف. دسترسی عاملی بنیادین در تجربه و کشف مکان است و ب. دسترسی به عنوان واسطی در ایجاد ارتباط انسان و مکان عامل اصلی در درک ابعاد مختلف مکان و عمق‌یابی سطوح آن می‌باشد. در این راستا ابتدا از طریق روش توصیفی-تحلیلی وجوه مختلف دسترسی در پژوهش‌های اخیر بررسی شده و سپس به تشریح ماهیت دسترسی پرداخته می‌شود. در نهایت این پژوهش نشان می‌دهد که سه مؤلفه "چشم‌انداز"، "کیفیت لبه راه" و "نحوه تقرب انسان" به عنوان مفاهیم اصلی تعریف‌کننده دسترسی در باغ ژاپنی لایه‌لایه موجب آشکار شدن مناظر بر بیننده می‌گردد که در اثر تعامل مداوم انسان با مکان سبب عمق‌یابی حس فرد به مکان شده و مفهوم دسترسی و مکان را بر او یکپارچه می‌سازد.

### واژگان کلیدی:

دسترسی، دل‌بستگی به مکان، چشم‌انداز، کیفیت لبه راه، نحوه تقرب انسان

۱. کارشناس معماری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، (نویسنده مسئول). vahidnorouzi@chmail.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی عمران، دانشگاه بولونیا، ایتالیا. mohsen.norouzi@studio.unibo.it

## مقدمه

ارتقای بازده و سنجش میزان آن عوامل اصلی مورد توجه در پژوهش‌های صورت گرفته دو دهه اخیر در حوزه دسترسی هستند. در بیشتر این پژوهش‌ها مفهوم عمیق مکان و ویژگی‌های آن مورد توجه قرار نگرفته است، در حالی که مکان عنصر اصلی در تقویت مفهوم دسترسی است. در واقع در این پژوهش‌ها تنها مؤلفه‌های مؤثر در ارتباط فرد و مکان به صورت سطحی تحت عنوان مفاهیمی همچون مبدأ و مقصد مورد تأکید قرار گرفته است. چنین رویکردی موجب جهت‌گیری پژوهش‌های دسترسی و مکان به صورت کمی شده است، در صورتی که دسترسی در مفهوم عمیق‌تر بستری برای آشکارسازی مؤلفه‌های کیفی مکان فراهم می‌سازد. بر اساس چنین پیشینه‌ای این مقاله تأکید دارد که مفهوم دسترسی تنها در ارتباط با مفهوم مکان قابل بررسی و تبیین است و سعی بر پژوهش این فرضیه در معماری‌های مبتنی بر دسترسی دارد. چنین نگرشی به صورت بسیار عمیق در فرهنگ معماری ایران و شرق قابل مشاهده است که در نگاه آن‌ها دسترسی عاملی است که تعامل میان انسان و مکان را غنا بخشیده و بستری را مهیا می‌سازد که مکان خود را به انسان نمایان ساخته و به این ترتیب لایه‌لایه برای او کشف گردد.

## مفهوم دسترسی

دسترسی مفهومی پیچیده است که دارای ابعادی مختلف می‌باشد. از نظر معنای لغوی این واژه امکان وصول داشتن<sup>۱</sup> و قدرت دست‌یابی به چیزی<sup>۲</sup> را مشخص می‌نماید. دست‌یابی به فضای معماری موضوعی است که با مفاهیمی همچون راه، سیرکولاسیون<sup>۳</sup>، ارتباطات فضایی

و حتی عناصر این ارتباط همچون ورودی و مفاصل فضایی پیوند می‌یابد. از این رو گرچه چنین مؤلفه‌هایی هر یک به نحوی بر روی کیفیت دسترسی اثرگذار هستند و وجهی متفاوت از آن‌را نمایان می‌سازند ولی هیچ‌کدام به تنهایی قادر به تعریف مفهوم واقعی دسترسی نمی‌باشند. معماری غربی دارای رویکرد سطحی‌تری نسبت به معماری ایرانی و شرقی در ارتباط با موضوع دسترسی است. در ادبیات معماری غرب به‌ویژه در تفکرات معماری معاصر موضوعات عملکردی در رابطه با دسترسی با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. چنین رویکردی موجب اهمیت‌یابی مفاهیمی همچون حمل و نقل و جابجایی بین شهری و جانمایی مناسب عملکردها برای دسترسی عمومی مردم شده است. در حالی که در نگاه ایرانی، دسترسی عمق معنایی بیشتری را داراست. در این نوع نگرش دسترسی به عنوان عاملی ارتباطی برای دست‌یابی انسان به فضای معماری به خصوص در مقیاس خارج از بناها در نظر گرفته می‌شود که در ارتباط قوی با انکشاف مکان است. مفهوم دسترسی به شکل گفته شده بیشتر در آموزش طراحی فضای معماری مورد توجه قرار گرفته است و ابعاد و جزئیات آن به صورت مشخص مورد نقد و بحث قرار نگرفته است. رویکرد ایرانی به موضوع دسترسی بی‌شبهت به تفکرات شرقی در رابطه با این مفهوم نیست. در معماری شرقی به خصوص در باغ ژاپنی دسترسی نه تنها به صورت عمیقی در فضا مورد توجه قرار گرفته است بلکه وجوه مختلف این مفهوم نیز که در پیوند با آن است دارای بار معنایی ژرف تری نسبت به دیگر فرهنگ‌هاست. از آن‌جا که دسترسی به شکل علمی ابتدا در ادبیات غرب مطرح شده است در ادامه مفهوم دسترسی و وجوه آن

۱. دیکشنری آنلاین واژه‌یاب/دسترسی/دهخدا (<https://www.vajehyab.com/>)

۲. دیکشنری آنلاین واژه‌یاب/دسترسی/عمید (<https://www.vajehyab.com/>)

در غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مفهوم آن به صورت روشن‌تری در معماری ژاپنی قابل نقد و بررسی باشد.

### وجوه دسترسی

دسترسی در فرهنگ غرب دارای وجوه مختلفی است که هریک به بعدی کارکردی درباره آن اشاره دارند. پژوهش‌های اخیر بیانگر این موضوع است که دسترسی یک اصطلاح اساسی شناخته شده در برنامه‌ریزی فیزیکی و شهری است و معانی زیادی برای آن ارائه شده است (چن و یین، ۲۰۱۹؛ ژور و ون‌لی، ۲۰۰۴؛ هندی و نیمیر، ۱۹۹۷؛ هانسن، ۱۹۵۹؛ مارکوچ، ۲۰۱۳). آنچه تحت عنوان دسترسی از آن یاد می‌شود در حقیقت ترجمه عبارت دسترسی‌پذیری<sup>۱</sup> است که در سال‌های اخیر از مفهوم نقل و انتقال<sup>۲</sup> جدا شده است. در حالی که نقل و انتقال شهری بر روی ابزار و وسایل به کار رفته در سیستم حمل و نقل<sup>۳</sup> و میزان بازده آن تمرکز دارد، دسترسی مفهومی است که به نقاط پایان سفر و مسافران می‌پردازد (بلسیک و دیگران، ۲۰۱۳). دسترسی‌پذیری متفاوت از مفهوم قابل دسترس<sup>۴</sup> بودن است. مفهوم قابل دسترس که بیشتر ریشه در مناسب‌سازی فضای شهری برای افراد با سطوح مختلف توانایی جسمی دارد (یاسمین، ۲۰۱۱) اغلب تحت عنوان طراحی همگانی<sup>۵</sup> یا طراحی برای همه<sup>۶</sup> یاد می‌شود. شاید طراحی برای همه را بتوان با مفهوم باریافوری<sup>۷</sup> در فرهنگ ژاپنی که در حقیقت همان بریرفیری<sup>۸</sup> به معنای مسیر آزاد از مانع است معادل دانست. این کلمه که با الفبای کاتاگانا<sup>۹</sup> نوشته می‌شود واژه‌ای وارداتی به فرهنگ ژاپن است.

وجه فعالیتی دسترسی از ابعاد مورد توجه در غرب است. از نظر هانسن مفهوم دسترسی از طرق مختلفی تعریف و عملیاتی می‌شود و از این رو است که معانی متنوعی را به خود اختصاص داده است. این تعاریف پتانسیل فرصت‌های مختلف تعامل را شامل می‌شود (هانسن، ۱۹۵۹). در این نگرش دسترسی به عنوان میزان توانایی دستیابی و بهره‌مندی از فرصت‌های شهری مطرح است (بلسیک و دیگران، ۲۰۱۳). دسترسی از عوامل مؤثر در تعریف فضاهای عمومی است (غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۵). به عبارتی دسترسی به پتانسیل دستیابی به فرصت‌هایی که در فضا توزیع شده است (از جمله اشتغال، تفریح، تعامل اجتماعی و غیره) اشاره دارد (بودلویکا، ۲۰۱۹).

بسیاری از پژوهش‌ها پاسخ‌گویی به فعالیت‌هایی را که فرد در صدد انجام آن در محدوده‌ای مشخص است از فرصت‌هایی می‌دانند که دسترسی ارائه می‌نماید. به بیانی ساده موضوع دسترسی در ارتباط با توانایی مردم در دستیابی به فعالیت‌های پراکنده جغرافیایی، جاذبه‌ها و خدمات شهری مختلف است. چنین رویکردی منجر به تلاش برای یافتن راه‌حلی برای پاسخگویی به مشکلات مختلف از جمله دستیابی به مشاغل، خدمات و فعالیت‌های اوقات فراغت با تمرکز بر اتومبیل و سرعت بوده است که منجر به معضلات فراوان زیست‌محیطی و ازدحام و پراکندگی شهری شده است (برای مثال براون، ۲۰۱۷؛ گارلینگ و استگ، ۲۰۰۷؛ پرستون و راج، ۲۰۰۷). بنابراین در نگرش جدید توجه بیشتر به سایر روش‌های کم‌خطر برای دسترسی به محیط شهری برای

1. Accessibility
2. Mobility
3. Transportation
4. Accessible
5. Universal design
6. Design for all
7. Bariafuri
8. Barrier-free
9. Katakana

در نگاهی کلی مفاهیم فعالیت، فرصت و مکان وجوه اصلی دسترسی در غرب است که به صورت عملکردی مورد توجه قرار گرفته است. این نگرش در ژاپن با نگاهی غنی تر در معماری سنتی دیده می شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

### ماهیت دسترسی در معماری ژاپن

دسترسی از لحاظ ماهیت در نگاه ژاپنی واژه ای درهم تنیده با مفاهیم عمیق انسانی و فضایی است. از آنجا که واژه های ژاپنی پیوند عمیقی با مصداق بیرونی آن داراست، بررسی این واژه ها که اغلب دارای ریشه چینی هستند می تواند در فهم بیشتر نگاه ژاپنی به موضوعی خاص گره گشا باشد. در فرهنگ ژاپنی دسترسی به معنای غربی آن مفهومی جدید است. کلمه آکوسسو<sup>۱</sup> در حقیقت برگردان انگلیسی واژه اکسس در زبان ژاپنی است که انتقال دهنده مفاهیم بررسی شده در رابطه با دسترسی پذیری به فرهنگ ژاپن می باشد. این کلمه با الفبای کاتاکانا که مختص واژه های وارد شده از سایر فرهنگ ها به ژاپنی است نوشته می شود. یکی از کاربردهای واژه آکوسسو نمایش نحوه دستیابی به مکانی خاص و موقعیت آن بر روی نقشه می باشد. کلمه سِک کین<sup>۲</sup> مترادف واژه آکوسسو و به معنای نزدیک شدن به چیزی است. شاید بتوان واژه تقریب<sup>۳</sup> را در زبان انگلیسی معادل مناسبی برای سِک کین دانست. قسمت اول این واژه از سمت چپ به معنای ارتباط و لمس چیزی است و در قسمت دوم آن بخش ابتدایی که شکل پا را نشان می دهد کلمه ای پر کاربرد به معنای حرکت انسانی است.

اما مفهوم دسترسی را در معماری ژاپن می توان با تدقیق در نوع نگرش ژاپنی به مفهوم راه<sup>۴</sup> دریافت. راه و مسیر در

همه شهروندان مورد توجه قرار گرفته است (گیل سولا و دیگران، ۲۰۱۸). دسترسی را می توان میزان توانایی یک خیابان برای اسکان دهی و توزیع فعالیت های استاتیک در شبکه محلی و جهانی مربوط نیز تعریف کرد (سید مهدطر، ۲۰۰۸). به بیانی دیگر دسترسی امکانی است که یک فرد در یک مکان برای شرکت در یک فعالیت خاص یا مجموعه ای از فعالیت ها داشته باشد (هانسن، ۱۹۵۹). علاوه بر این دسترسی رابطه بین سیستم فعالیت در یک منطقه ارضی و سیستم حمل و نقلی را بیان می کند که در خدمت آن است (کاشتا و دیگران، ۲۰۱۲).

علاوه بر فعالیت ها و فرصت ها وجه مکانی یکی از عوامل اصلی مورد توجه در دسترسی است. از آنجا که جابجایی بین مبدأ و مقصد یکی از اهداف اصلی در مفهوم دسترسی است، دسترسی در حمل و نقل شهری به سهولت دستیابی به مقاصد نیز اشاره دارد (سید مهدطر، ۲۰۰۸). به عبارتی دسترسی می تواند میزان سهولت پاسخ گویی مکان های توزیع شده در فضا تعریف گردد که برای کارکردی مشخص در محدوده یک فرد قرار گرفته است (کاشتا و دیگران، ۲۰۱۲). در یک تعریف ساده دسترسی به نزدیکی نسبی یا مجاورت یک مکان یا شخص با همه مکان ها و اشخاص دیگر اشاره دارد (بتی، ۲۰۰۹). در حالی که واژه مکان شامل فرصت ها و فعالیت ها نیز می باشد، دسترسی به یک مکان ارتباط عمیقی با جنبه های عملکردی، اقتصادی و اجتماعی آن دارد (ارکوت و ازگن، ۲۰۰۳؛ ژور و ونلی، ۲۰۰۴ اسپیکرمن و نویاور، ۲۰۰۲). این موضوع پتانسیل قابل توجهی در خود داراست که پتانسیل توسعه در آینده را نیز تحت تأثیر قرار می دهد (هانسن، ۱۹۵۹؛ واکس و کومگای، ۱۹۷۳).

1. Akusesu (アクセス)  
2. Sekkin (接近)  
3. Approach  
4. Pathway

محیط، راه و تجربه حرکت او در فضا نسبت به موضوعات کارکردی غربی بسیار برجسته تر است.

### جایگاه دسترسی در فضای معماری

چنانکه گفته شد راه مجرای اصلی در تبلور مفهوم دسترسی در معماری ژاپنی است. فضای معماری ژاپنی به خصوص باغ در طول مسیر به صورت لایه لایه برای بیننده آشکار می گردد. به عبارتی راه به عنوان عاملی که در معماری ژاپن به منظور تقویت دیگر اجزای آن به کار گرفته می شود، ایجاد کننده بستری است که از فاصله دور نگاهی آنی از معماری باغ پیش روی بیننده قرار می دهد و پس از پنهان سازی این منظر در لایه ای دیگر فرد را در تجربه نزدیک آن منظره قرار می دهد. از سوی دیگر راه عامل پیوند معماری و باغ ژاپنی است (لاکر و سیمونز، ۲۰۱۰). فلسفه معماری ژاپنی در طول راه در صدد است تا همه چیز را در یکباره به نمایش نگذارد. این رویکرد تصویری اسرارآمیز از فضا سازی در ذهن بیننده به وجود می آورد. به شکلی که هر منظری بخشی از خود را از بیننده پنهان می نماید و فرد در یک نگاه همه آنچه را که وجود دارد مشاهده نمی نماید (انگل، ۱۹۸۶). علاوه بر این راه در باغ ژاپنی به لحاظ تکنیکی از اصولی مشخص تبعیت می کند. در باغ ژاپنی دستیابی به تعادل بصری یکی از ویژگی های مهم طراحی مسیر است (جونس، ۲۰۰۱). ارائه تصاویر مورد نظر در ذهن بیننده در معماری ژاپنی توسط عناصری مشخص صورت می گیرد. این عناصر که ابداعات خاص ژاپنی در مواجهه با بخش های ورودی تا مقصد است در معماری باغ های آن بسیار استفاده و تکرار شده است.

معماری ژاپنی مهمترین وجه دسترسی را در برمی گیرد. کلمه میچی<sup>۱</sup> به معنای مسیر یکی از کلمات پر کاربرد ژاپنی است که از دو بخش تشکیل شده است. بخش ابتدایی آن از چپ که در واژه سکین نیز دیده می شود به معنای حرکت کردن انسان است و قسمت دوم به معنای گردن می باشد و از آنجا که گردن، تنه و سر را به هم اتصال می دهد در این کلمه مفهوم در امتداد و مسیری حرکت کردن مستتر است. از دیگر واژه های ژاپنی پر کاربرد که ارتباط عمیقی با مفهوم دسترسی داراست کلمه کر<sup>۲</sup> به معنای مسیر مشخص بین یک مبدأ و یک مقصد است. در این کلمه که مفهوم مسیر را در خود داراست در بخش اول که به معنای عرض جغرافیایی است مفهوم ارتباط با زمین و در بخش دوم که به معنای است حرکت انسان با پا موجود است. مسیر به معنای خاص آن در باغ ژاپنی با واژه رُجی<sup>۳</sup> به معنای کوچه نشان داده می شود. در این کلمه که ارتباط عمیقی با اتاق چای در باغ ژاپنی داراست در بخش اول که به معنای پیاده راه ارتباطی است مفهوم پای انسان دیده می شود و همچنین در قسمت دوم که به معنای امتداد یافتن زمین است مفهوم زمین به کار رفته است.

چنان که دریافت می شود مفهوم دسترسی علاوه بر مفهوم غربی که وارد فرهنگ ژاپنی شده، خود دارای وجه مفهومی در این منطقه بوده است و وجه اصلی آن در فرهنگ ژاپنی که شامل راه و مسیر است به صورت مفهومی در ارتباط با انسان، زمین و حرکت در یک امتداد و جهت است. چنین نوع مفهوم سازی را شاید بتوان با نگرش مفهومی به واژه هایی همچون گذر و معبر در ارتباط با نگاه معماری ایرانی نسبت به دسترسی مشابه دانست که در آن وجه اصلی دسترسی به مفاهیم انسان،

1. Michi (道)  
2. Keiro (経路)  
3. Roji (路地)

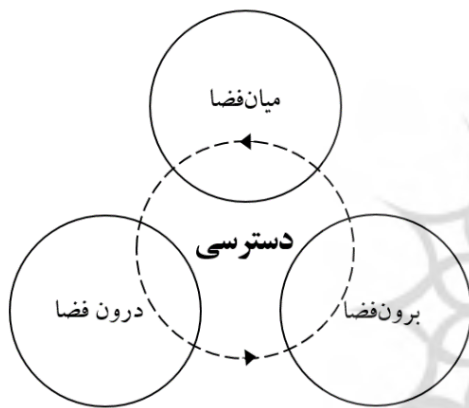
## عناصر فضایی دسترسی

راه‌ها در طول مسیری که بیننده را برای تجربه باغ ژاپنی همراه می‌سازند با کیفیت‌های متفاوتی چشم‌اندازهای<sup>۱</sup> مختلف باغ را برای فرد نمایان می‌سازند. در طول راه نه تنها ریتم و آهنگ حرکت در باغ کنترل می‌شود بلکه منظر دیداری مناسبی نیز ارائه می‌گردد. راه‌ها تنها یک عنصر فضایی در کل یک پلان نیستند بلکه این امکان را ایجاد می‌کنند که باغ چگونه برای بیننده آشکار گردد (کین، ۲۰۱۲). به‌طور کلی چنین می‌توان گفت که یک بنای سنتی ژاپنی بر روی مسیری پیموده شده از خیابان تا ورودی آن تأکید دارد. در طول مسیر یک دروازه به منظور تأکید بر ورود به بخش خصوصی ایجاد شده و از تغییر ناگهانی فضای خیابان به خانه جلوگیری می‌نماید. مناظر سبز ایجاد شده پس از دروازه با خیابان در تضاد قرار می‌گیرد. ماهیت واقعی چشم‌انداز ژاپنی مسیر میان دروازه تا ورودی بنا است. بعضی اوقات مسیر در ابتدا کمی پیش می‌آید تا توسعه ملایمی در جهت ورودی داشته باشد. با این راهکار به تدریج سر و صدای خیابان کاهش یافته و توجه به ناحیه پس از دروازه جلب می‌شود و با داخل شدن فرد دنیای بیرون در نظر کاملاً توقف می‌یابد (هازاما، ۱۹۸۲). عناصر فضایی اصلی تعریف شده از مبدأ تا بنای اصلی شامل دروازه، دیوار، پرچین، ایوان و سایه‌بان در طول راه به‌خصوص در معماری باغ‌ها هستند که در ادامه اشکال مختلف آن بررسی خواهد شد (اسفاکیوتاکی، ۲۰۰۵). بسیاری از این عناصر طبیعی هستند که موجب ایجاد فرم‌ها و خطوط آزاد طبیعی نیز می‌گردند (مهدی‌زاده سراج و نیک‌گفتار، ۱۳۹۰).

من<sup>۲</sup> پسوندی است که به دروازه اطلاق می‌شود و دارای انواع متعددی است (پرنت، ۲۰۰۴). هی<sup>۳</sup> نرده یا دیواره‌ای است که بر اساس مصالح استفاده‌شده برای ساخت آن از جمله خاک، سنگ، کاشی و بامبو طبقه‌بندی می‌گردد (پرنت، ۲۰۰۴). ایکگاکی<sup>۴</sup> حصار برای زیستن و زندگی به معنای واقعی است. این حصار نوعی پرچین ساخته شده از درختان، بامبو یا سایر گیاهان زنده است که در یک ردیف کاشته شده و مرتب می‌شوند. ایکگاکی نیز شامل انواع مختلفی است (پرنت، ۲۰۰۴). انگاوا<sup>۵</sup> به محدوده کنار یا اطراف فضا با کف پوشیده شده از حصیر یا ایوان در بنای ژاپنی گفته می‌شود. اخیراً انگاوا به یک ایوان که به‌طور نسبی در داخل ساختمان واقع شده و با درهای کشویی فضا را در برابر باران محافظت می‌کند یا به یک ایوان کاملاً در معرض دید گفته می‌شود (پرنت، ۲۰۰۴). هیساشی<sup>۶</sup> فضایی مفصل مانند اطراف هسته یک ساختمان است. هیساشی در حقیقت یک منطقه باریک مشابه راهرو است که می‌تواند به‌طور کامل در یک، دو یا سه طرف فضا گسترش یابد. هیساشی همچنین ممکن است به یک ایوان و راهروهای باز که در زیر سقف اصلی یا پشت بام قرار دارد گفته شود (پرنت، ۲۰۰۴). سوداره<sup>۷</sup> به پرده‌های ساخته شده از ساقه‌های بامبو، گیاه دم‌اسب یا نیشکر گفته می‌شود. این ساقه‌های بسیار باریک پیچانده شده و با طناب به هم وصل می‌شوند. سوداره به‌خصوص در اتاق مراسم چای استفاده می‌شود (پرنت، ۲۰۰۴). شوچی یک اصطلاح رایج قرون وسطایی برای پارتیشن‌هایی است که می‌توانند فضای داخلی ساختمان را در درون یا بیرون بنا به بخش‌های جداگانه تقسیم کنند. شوچی‌ها

1. Vista
2. Mon (門)
3. Hei (塀)
4. Ikegaki (生垣)
5. Engawa (縁側)
6. Hisashi (廂)
7. Sudare (簾)

بیانگر ارتباطاتی بین افراد همچون عشق است (نیچکه، ۱۹۹۳). در نهایت در معماری این پیوند در روابط بین فضاها و چندین گذار که از درون به خارج و از خصوصی به عمومی صورت می‌گیرد منعکس شده است و به هر نوع انتقال از یک فضا به دیگری گفته می‌شود (پستکیس، ۲۰۱۰). مؤلفه‌های دسترسی همگی تحت تأثیر از تفکر ان در معماری ژاپنی است. تصویر (۱) که با تأکید بر مفهوم ان و نقش آن در ایجاد گذار در فضا ارائه شده، سطوح مختلفی را نشان می‌دهد که دسترسی در یک باغ ژاپنی ایجاد کرده و مرتبط می‌نمایند.



تصویر (۱): نقش دسترسی در تقویت مفهوم فضای واسطه در معماری باغ ژاپنی. مأخذ: نگارندگان.

مشخص است که عناصر فضایی تعریف شده در طول مسیر باغ ژاپنی در هر بخش منظر متناسب با تراز دسترسی را برای بیننده ایجاد می‌نمایند. این عناصر سطوح مختلفی را از جهت شفافیت و ارتباط ایجاد می‌نمایند. ارتباط بخش‌ها توسط این نگرش ایجاد می‌شود که فضاهای اصلی توسط سلسله‌ای از فضاهای میانجی درهم گره می‌خورند. این موضوع اهمیت نقش فضای گذار را به عنوان فضایی واسطه در میان معماری و باغ مشخص می‌نماید که به آن پرداخته خواهد شد.

ممکن است به صورت لغزشی آویزان یا ثابت باشند (پرت، ۲۰۰۴).

اما شاید مهمترین عنصر در ایجاد ارتباط مفهومی میان فضاها انگاواها باشند که به شرح مشخص تری نیاز دارند. این فضا نوعی ایوان است که فقط با چند پایه در سیمای بنا بیرون می‌زند. این بخش به طور معمول یک عرشه چوبی است که از روی زمین بلند شده و توسط یک سقف پوشیده شده است. مردم از باغ‌های مجاور این فضا می‌توانند وارد آن شوند. امروزه همسایگان برای معاشرت اغلب در این فضاها جمع می‌شوند. وقتی یک فضای انگاوا در سطح زمین و ایوان‌های اضافی بالاتر از این سطح در طبقه دوم ساخته شده باشد فضا مانند یک سالن آرمی تاثیر عمل می‌کند. بطوری که طبقه‌های بالا و پایین در یک گفت و گو با هم بوده و مردم می‌توانند یکدیگر را ببینند و آنچه را که انجام می‌دهند مشاهده نمایند. از سوی دیگر زنده کردن فضاهای داخلی و خارجی با ارتباط بین محدوده‌های سبز و مناطق فعال ساخته شده توسط انگاوا صورت می‌گیرد (فوجی، ۲۰۱۵). انگاوا تنها فضایی است که علاوه بر آنکه بین باغ و فضای داخلی قرار دارد حتی در فضای داخلی خانه نیز استفاده شده و دارای کارکرد چند منظوره است و به عبارتی به هیچ‌یک از بخش‌های داخل یا خارج فضا تعلق ندارد. از این رو این فضاها در معماری سنتی ژاپن به عنوان مناطق خاکستری شناخته می‌شود (نیچکه، ۱۹۹۳).

اهمیت اصلی انگاوا در مفهوم واژه آن نهفته است. "ان" به عنوان پیشوند در واژه انگاوا در معماری و فرهنگ ژاپنی محدود به این کلمه نیست و دارای پیشینه با اهمیتی است. در ژاپن مفهوم گذار یا به اصطلاح ان<sup>۱</sup> واژه‌ای است که به نظر می‌رسد در دین بودایی و معنای پل ارتباطی در زنجیره اعمال انسان‌ها ریشه دارد. در زندگی اجتماعی ان

## مفهوم فضای گذار

تبدیل یک فضا به فضای دیگر در طول دسترسی باغ ژاپنی با ایجاد کیفیت‌های فضایی خاصی در سطوح مختلف صورت می‌گیرد. چنین کیفیتی به‌خصوص در مرزها قابل لمس است. مرزها در باغ سنتی ژاپنی مبهم است و می‌توان فضاهای را دارای مرز گذار<sup>۱</sup> توصیف کرد. به این معنا که به جای یک تقسیم‌بندی ساده بین فضای بیرونی و داخلی، یک‌سری از عناصر فضایی مرزهای متعددی میان فضاهای مختلف ایجاد می‌نماید. تغییر داخل به خارج نیز توسط توالی پلان‌های ظریف با درجات مختلف شفافیت و نفوذپذیری انجام می‌شود (اسفاکیوتاکی، ۲۰۰۵). معماری ژاپنی حتی بر فضای گذار بین اتاق‌ها به نسبت بیشتری از خود اتاق‌ها تأکید دارد. در صورتی که ایجاد این فضاهای گذار با موفقیت تحقق یابد طبیعتاً هر چیزی در اتاق جای خود را خواهد داشت. این موضوع همچنین در مورد ارتباط یک ساختمان با ساختمان‌های دیگر که در کل شهر امتداد دارند و در نهایت برای ارتباط شهر با محیط طبیعی خود نیز صدق می‌کند (لازارین، ۲۰۱۴).

اما کیفیت مفهوم گذار در معماری ژاپن از نحوه سازماندهی فضای ارتباطی تأثیر می‌پذیرد که مبتنی بر حرکت انسان در فضا است. اینو تفاوت فضای معماری هندسه‌محور و فضای معماری حرکت‌محور را به این شرح زیر توضیح می‌دهد که فضای معماری زمانی هندسی است که براساس یک سیستم هماهنگ متعامد یا قطبی ساخته شده باشد و عناصر ترکیبی آن همیشه تابع محور یا قطب باشد. ناظر نیز باید رابطه خود را با محور یا قطب درک کند. اما هنگامی که یک محور یا قطب مرجع وجود ندارد، همزمان با مشاهده بازسازی پی‌درپی اتفاقات با ترکیب حس بینایی و حافظه ایجاد می‌شود و نیاز به تجسم ذهنی دارد. در فضای حرکت‌محور برخلاف

فضاهای هندسی موقعیت عناصر ترکیبی نسبت به برخی ساختارهای کلی بی‌اهمیت است. در عوض چنان که در مفهوم توپولوژی نیز مهم است موقعیت عناصر نسبت به یکدیگر اهمیت می‌یابد. اجزای مکان به‌صورت پی‌درپی مشاهده می‌شوند و این پی‌درپی بودن با خم شدن مسیر حرکت یا با انسداد خط دید به بیننده القا می‌گردد. به عبارتی حرکت در فضا چه به‌صورت واقعی و چه ذهنی همواره در نظر بیننده فرض می‌شود. این اصل مشاهده پی‌درپی است که هیچگاه فضا به اندازه کامل بر بیننده آشکار نمی‌شود و در عوض بخشی از فضا در زمان مشخص نمایان می‌گردد. اینو در ادامه می‌گوید که در ادبیات ژاپنی نیز ترکیباتی با فضاهای قطعه‌قطعه وجود دارند که مانند پیوندهای یک زنجیره یا مهره‌های یک رشته به هم وصل شده‌اند و ساختار آن‌ها مبتنی بر تعدادی از حوادث یا داستان‌هایی است که به صورت خطی به یکدیگر پیوسته‌اند. هر قسمت از داستان بر علایق خود تمرکز دارد و فقط از فاصله دور با مواردی که قبل یا بعد از آن ظاهر می‌شوند ارتباط می‌یابد (اینو، ۱۹۸۵). هفت بر اساس ایده‌های ارائه شده توسط گیسون دو نوع ویژگی موجود در جریان ساختار چشم‌انداز را در چارچوب مفهومی خود مشخص می‌کند که شامل مؤلفه‌های منظر و گذار است. وی منظر را به‌عنوان عامل توسعه سطحی که در زمان حاضر از یک نقطه خاص قابل مشاهده است تعریف می‌کند. در حالی که از نظر او گذارها تغییرات بزرگتری هستند که در ساختار پرسپکتیو اتفاق می‌افتند و مانند مناظر غیرقابل شمارشی هستند که به‌صورت تدریجی با آمدن و رفتن ظاهر می‌شوند. گذارها به‌طور خاصی در میان ادراک کنندگان متمایز هستند و با درجات بالای علاقه ارتباط دارند (هفت، ۲۰۰۱). از طریق آزمایشات صورت‌گرفته هفت اظهار داشته است که



ادراک کنندگان گذار در مسیر را به‌عنوان واحدهای ساختاری و راهی که در طول زمان ظاهر می‌شوند شناسایی می‌کنند. از نظر او برخی از ویژگی‌ها به‌عنوان واحدهای تودرتویی که توسط این گذارها تعیین حدود شده‌اند تجربه می‌شوند (هفت، ۲۰۰۱).

می‌توان ادعا کرد که گذارها در فضای معماری ژاپن تبیین‌کننده رابطه میان چشم‌اندازها هستند. به‌عبارتی با تعریف مفهوم گذار لایه‌های متعدد فضایی به شکل‌های مختلفی در میان دو مؤلفه معماری و طبیعت موجب انتقال مناظر به یکدیگر و تجربه آن توسط بیننده می‌شوند. این لایه‌ها در حقیقت مرز میان معماری و طبیعت را ناملموس می‌سازند و موجب تقویت وجه مکانی باغ در اثر تجربه آن می‌گردند.

### نقش فضای گذار در تبیین مؤلفه‌های مکانی دسترسی

مفهوم دسترسی و مکان از طریق وجوه مشترکی باهم ارتباط می‌یابند. چشم‌اندازها مهمترین وجه مکانی نمایان شده در دسترسی هستند. مکان به معنای جایی یا قسمتی از یک فضا از طریق عناصری که در آن قرار دارند هویت خاصی می‌یابد (فلاحت و شهیدی، ۱۳۹۴). از این نظر دسترسی بستری اصلی برای نمایان‌سازی ابعادی از مکان است که با تأکید بر تجربه حرکت در فضا و با تکنیک آشکار و پنهان‌سازی چشم‌اندازهای متوالی قابل درک هستند. از این رو می‌توان گفت چشم‌اندازها بنیادی‌ترین عامل در ارتباط با درک مکانی در بستر دسترسی هستند. در این رابطه تامپسون با تحلیل فضای ژاپنی بر این نظر است که فضاهای پی‌درپی را می‌توان مجموعه‌ای از خاطرات تجربه دانست که نه تنها شامل زیبایی فضای فیزیکی است بلکه توسط آن می‌توان داستان عناصر

موجود در طول مسیر را نیز درک کرد (تامپسون، ۱۹۸۸). توالی چشم‌اندازهای ارائه شده در باغ ژاپنی مبتنی بر داستان و کلیتی مشخص است. بوگنار در نظم ژاپنی اشیاء<sup>۱</sup> توضیح می‌دهد که ژاپنی‌ها رویکردی چندکانونی ارائه کرده‌اند که مستلزم آن قرارگیری انسان در فضا و زمان طی دنباله‌ای از اتفاقات است تا فرد با ورود به داخل فضا آن را از درون تفسیر کند. از نظر بوگنار محیطی که به‌عنوان بافتی از عناصر ناهمگن درک شده و بدون نظم و وضوح ساخته شده است نمی‌تواند یک دیدگاه همه‌جانبه را ارائه دهد (بوگنار، ۱۹۸۸).

جنس مسیر و کیفیت لبه‌های ارتباط آن با چشم‌اندازها به‌عنوان مؤلفه‌ای دیگر عاملی اساسی در درک پرسپکتیو مشخص در هر نقطه از دسترسی است. هفت براساس کار جونز و بولتز (جونز و بولتز، ۱۹۸۸) بر این باور است که استفاده از ساختار پویای یک رویداد، پایه‌ای برای آگاهی پرسپکتیو از نظر شخص ادراک‌کننده است که آن را حضور پویا می‌نامد (هفت، ۲۰۰۱). از نظر هفت محیط‌ها ویژگی‌های متنوعی را به‌وجود می‌آورند که منجر به منحصربه‌فرد به نظر آمدن هرگونه طرح کلی از محیط از یک نقطه مناسب دید و هر مسیری در این محیط می‌گردد. فرد با تحرك در طول مسیر سفرش، یک جریان نوری از اطلاعات را در رابطه با چیدمان محیط دریافت می‌کند و این همان چیزی است که گیسون از آن به‌عنوان ساختار پرسپکتیو<sup>۲</sup> یاد می‌کند. تا زمانی که ویژگی‌های مسیرهای مختلف متفاوت باشد این مسیرها برای سفر جریان متمایزی از ساختار پرسپکتیو منحصر هر مسیر را ایجاد می‌کنند (هفت، ۲۰۰۱).

درنهایت نحوه تقرب به هر بخش از فضا یا نوع جهت‌گیری در مسیر عاملی است که فرد را با مقصد ارتباط داده و درک او را از مکان کامل می‌نماید. تقرب

1. Japanese order of things  
2. Perspective structure

## نقش مؤلفه‌های دسترسی در دل‌بستگی به مکان

دسترسی عاملی است که به دلیل ایجاد تجربه حسی اثرگذار در بیننده موجب عمق‌یابی سطح حس مکان و درنهایت دل‌بستگی مکانی فرد به باغ ژاپنی می‌گردد. در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده‌ای با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. در این حالت بر منحصربه‌فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵). دل‌بستگی به مکان<sup>۳</sup> به طور کلی به عنوان پیوندی قابل درک است که افراد با مکان‌های خاص می‌یابند (اسکنل و گیلفورد، ۲۰۱۰) یا زمینه‌ای است که افراد توسط آن محیط خاصی را ارزش‌گذاری یا شناسایی می‌نمایند (مور و گریف، ۱۹۹۴).



تصویر (۲): مدل سه جانبه دل‌بستگی مکان. مأخذ: اسکنل ۲۰۱۰.

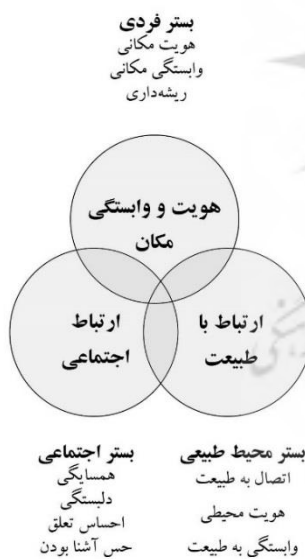
دل‌بستگی به مکان از ابعاد مختلفی در پژوهش‌های دو دهه اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. به دلیل کاربرد دل‌بستگی به مکان از چشم‌اندازهای مختلف، تعاریف زیادی در این رابطه فراهم شده‌است. در اکثر موارد

در مکان به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد. علاوه بر نحوه تقرب مستقیم، تقرب<sup>۱</sup> غیرمستقیم به صورت مورب که تحت عنوان سومیچیگای<sup>۲</sup> یاد می‌شود، فضای بزرگتری را نسبت به آنچه که واقعاً وجود دارد ایجاد می‌کند و حتی اگر فاصله بین دروازه و ورودی اصلی بنا کاملاً کوتاه باشد چنین به نظر می‌رسد که طولانی‌تر و در نتیجه جذاب‌تر است. با استفاده از این روش خود ساختمان نیز با دید مستقیم آشکار نمی‌شود. علاوه بر روش مورب این تقرب ممکن است به شکل ال نیز باشد. به شکلی که مسیر از دروازه به سمت راست یا چپ بچرخد. در این رویکرد نیز فضا طولانی‌تر به نظر می‌رسد. چنانکه ایتو می‌گوید از آنجا که دیدن ورودی بنا از دروازه تقریباً غیرممکن است لذت تعلیق و کنجکاوی و همچنین تغییر مناظر موجود بیشتر است چرا که نگرش فرد در طول مسیر توسعه می‌یابد (ایتو، ۱۹۸۹). نهایتاً ممکن است این رویکرد منحنی نیز باشد. این روش معمولاً زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فضای نسبتاً بزرگی بین دروازه و ورودی اصلی بنا وجود داشته باشد (اسفاکیوتاک، ۲۰۰۵).

نگرشی مکانی به مفهوم دسترسی نشان می‌دهد که عوامل مشخصی در طول راه بر درک مکانی و ارتقای تجربه آن اثربخش هستند. سه مؤلفه چشم‌انداز، کیفیت لبه راه و نحوه تقرب انسان که در طول دسترسی مورد بررسی قرار گرفتند عناصر اصلی در تعریف کیفیت‌های مکان هستند که در ادامه نقش آن‌ها در عمق‌یابی حس مکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1. Approach  
2. Sumichigai (隅 違 い)  
3. Place attachment

در نظر داشتن مفاهیم متمایز موجود در ساختار باغ ژاپنی و سطوح متعدد دسترسی در آن می‌توان با بازنگری در مفاهیم ارائه شده در مدل‌های اسکنل و ریموند محورهای اصلی مفهوم دل‌بستگی به مکان را توسعه داد. با مبنا قرار دادن مدل اسکنل به دلیل جامعیت آن و با در نظر داشتن نقش اساسی طبیعت که در مدل ریموند مؤلفه‌ای اصلی در دل‌بستگی به مکان است می‌توان به چارچوبی جامع در رابطه با مفهوم دل‌بستگی به مکان در ارتباط با دسترسی در باغ دست یافت که در آن طبیعت جایگاهی عمیق‌تر از معیاری صرفاً فیزیکی در محور مورد بحث مکان داراست. این چارچوب در بررسی مکانی دسترسی، وجوه اصلی در ارتباط این دو مفهوم را با دقت بیشتری نمایان می‌سازد. تصویر (۳) عوامل مؤثر در دل‌بستگی به مکان در بستر دسترسی را نشان می‌دهد.



تصویر (۳): مدل مفهومی سه قطبی و چهار بعدی دل‌بستگی مکانی.

مأخذ: ریموند ۲۰۱۰.

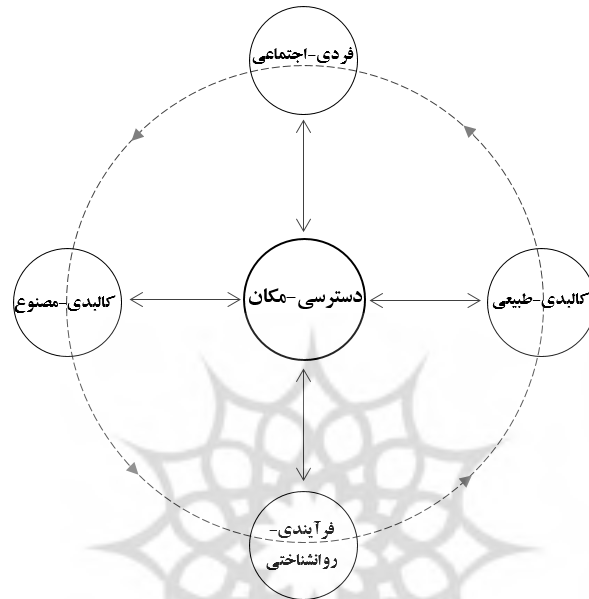
محققان دل‌بستگی به مکان را به‌عنوان یک مفهوم چندوجهی به‌تصویر می‌کشند که پیوند بین افراد و مکان‌های دارای اهمیت برای آن‌ها را مشخص می‌کند (برای مثال، جولیان، ۲۰۰۳؛ لو و آلمن، ۱۹۹۲). ترنتلمن با مرو کلی زمینه‌های مختلف در رابطه با مکان کشمکش‌های موردعلاقه در این زمینه را در سه بعد مختلف ارائه می‌نماید. (۱) بعد اجتماعی-فرهنگی<sup>۱</sup> همچون دل‌بستگی اجتماعی، (۲) بعد بیوفیزیکی<sup>۲</sup> در رابطه با مکان با تأکید بر محیط یا فضای دربرگیرنده و (۳) اختلاط عوامل پویای هر دو بعد اجتماعی-فرهنگی و محیط طبیعی در پژوهش دل‌بستگی به مکان شامل این ابعاد هستند (ترنتلمن، ۲۰۰۹). اسکنل نیز با بررسی عمیق ابعاد مختلف دل‌بستگی به مکان چارچوبی سه‌گانه از ابعاد پژوهش شده درباره دل‌بستگی به مکان را ارائه می‌نماید. او در سه محور شخصی<sup>۳</sup>، فرآیندی روانشناختی<sup>۴</sup> و بعد خود مکان<sup>۵</sup> به تشریح ابعاد اثرگذار در عمق‌یابی مکان در سطح دل‌بستگی به مکان می‌پردازد (اسکنل و گیلفورد، ۲۰۱۰). ریموند نیز با گسترش پژوهش‌های دل‌بستگی به مکان از جمله ترنتلمن به بررسی مفهوم دل‌بستگی به مکان در سه محور مختلف می‌پردازد. دل‌بستگی به مکان در زمینه فردی<sup>۶</sup>، زمینه اجتماعی<sup>۷</sup> و زمینه محیط طبیعی<sup>۸</sup> ابعاد دسته‌بندی شده اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان در پژوهش او هستند (ریموند و دیگران، ۲۰۱۰).

از آنجاکه کیفیت‌های مکان در بستر باغ در مرز بین معماری و طبیعت قابل تجربه‌اند دو مؤلفه طبیعت و معماری هریک در جای خود دارای ارزش بنیادین در عمق‌یابی مفهوم مکان برای بیننده هستند. از این رو با

1. Socio-cultural dimensions
2. Biophysical dimensions
3. Person dimension
4. Psychological process dimension
5. Place dimension
6. Personal context
7. Community context
8. Natural environment context

افزایش دل‌بستگی به مکان می‌گردند. جدول (۱) نقش مؤلفه‌های دسترسی در دل‌بستگی به مکان را نشان می‌دهد. این جدول پل‌های مشترک میان دسترسی و مکان را مشخص می‌نماید که بیننده توسط آن به سطح عمیق‌تری از مفهوم مکان و تجربه آن دست می‌یابد.

با بررسی وجوه اساسی دسترسی که در باغ ژاپنی نقش بنیادین در تجربه مکان داراست می‌توان به چنین برداشتی رسید که دسترسی به‌عنوان بنیان تجربه فضا دارای نقاط مشترکی با مفهوم مکان است. این نقاط که در حقیقت ابعاد آشکار شده مکان در بستر دسترسی هستند در اثر تجربه طولانی موجب عمق‌یابی حس مکان و در نتیجه



تصویر (۴): ابعاد دل‌بستگی به مکان در بستر دسترسی بر اساس گسترش مدل اسکنل و ریموند. مأخذ: نگارندگان.

جدول (۱): نقش مؤلفه‌های دسترسی در دل‌بستگی به مکان. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌های دسترسی			فردی-اجتماعی	محورهای دل‌بستگی به مکان
نحوه تقرب	کیفیت لبه راه	چشم‌انداز		
نحوه تقرب با توجه به بستر فردی اجتماعی موقعیت در مقیاس فضاها و همسایگی‌ها را تعیین می‌نماید.	کیفیت لبه راه‌ها با توجه به تجارب گذشته در فضاهای مشابه عامل ایجاد ساختار حرکت در فضاست.	زمینه فردی و اجتماعی میزان احساس تعلق به چشم‌اندازهای تعریف شده را تعیین می‌کند.	فردی-اجتماعی	
نحوه تقرب با توجه به موقعیت نسبی کالبدی طبیعی فاصله و نوع جهت‌یابی را مشخص می‌کند.	جنس و کیفیت لبه راه‌ها در کالبد طبیعی مرز سیال بین طبیعت و مسیر را تعریف می‌نماید.	آشکارسازی و پنهان‌سازی چشم‌اندازها داستان وابستگی به طبیعت را ایجاد می‌نماید.	کالبدی-طبیعی	
نحوه تقرب با توجه به موقعیت نسبی کالبدی مصنوعی فاصله و نوع جهت‌یابی را مشخص می‌کند.	جنس و کیفیت لبه راه‌ها در کالبد مصنوعی مرز مشخص بین بناها و مسیر را تعریف می‌نماید.	آشکارسازی و پنهان‌سازی چشم‌اندازها داستان وابستگی به معماری را ایجاد می‌نماید.	کالبدی-مصنوع	
نحوه تقرب به فضاها باعث ایجاد معنا و آگاهی از موقعیت فرد در مکان می‌گردد.	کیفیت لبه راه‌ها در بردارنده نشانه‌ها و نمادهای مشخص با توجه به کیفیت فضاست.	چشم‌اندازها با بنیان هویتی و ریشه‌دار برای ناظر تعریف می‌گردد.	فرآیندی-روانشناختی	

بنیادین خود را ایفا می‌نماید. به عبارتی می‌توان گفت دسترسی در حقیقت نمود فیزیکی ارتباط انسان و مکان

**نتیجه‌گیری**  
مطالعه دسترسی نشان می‌دهد که این مفهوم با وجوه مشخصی در ایجاد تصویری از مکان برای فرد نقش

است که مؤلفه راه در آن عامل اصلی برای درک کیفیت‌های عینی و ذهنی یک مکان است.

از آنجا که راه مهمترین بستر برای تجربه انسانی از فضاست، کیفیت و سطح اثرگذاری چشم‌اندازهایی که در طول مسیر راه ارائه می‌گردد در ارتقای سطح حس مکان و عمیق شدن آن تاثیر بسزایی دارد. این موضوع با تعریف لایه‌های فضا در طول راه باغ ژاپنی تحقق می‌یابد. ارتباط لایه‌های فضایی با تکنیک آشکارسازی و پنهان‌سازی صحنه‌هایی با داستان مشخص صورت می‌پذیرد که در آن مؤلفه‌هایی همچون کیفیت سطوح کالبدی راه و مرزهای آن با هر چشم‌انداز از ساختار مشخصی پیروی می‌نمایند و در نهایت اشکال مختلفی از دست‌یابی و تقرب به بخش‌های مختلف مکان را تعریف می‌نمایند. مؤلفه‌های دسترسی در حقیقت ابعاد مکان در مناظر متحرک درک شده توسط انسان هستند که مکان را بر بیننده آشکار می‌سازند.

آن غیرقابل تفکیک می‌گردد. به عبارتی چنان‌که مشاهده می‌گردد تجربه غنایافته در بستر دسترسی آن را رفته‌رفته به مفهوم مکان نزدیک‌تر می‌سازد. از سوی دیگر مکان نیز در اثر تداوم تجربه از سطحی چون محیطی صرفاً آشنا عمق بیشتری یافته و بازدیدکننده را به لحاظ احساسی دلبسته خود می‌سازد. عواملی همچون تجارب شخصی و نوع ارتباط فرد با بناها و محیط طبیعی در ایجاد ارتباط سریع‌تر بین فرد با مکان تأثیر بسزایی داراست. کیفیت مؤلفه‌های مکانی ارائه شده توسط دسترسی نیز عامل بسیار مهم دیگری است که در درهم‌تنیدگی مفهوم دسترسی و مکان و در نهایت ارتقای حس هویت و تعلق و دلبستگی عمیق به آن تأثیر بسیار داراست.

#### منابع

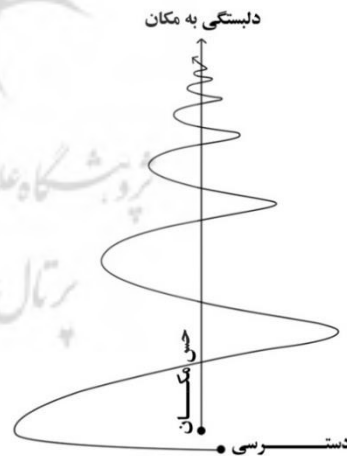
فلاح، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صفحه ۵۷-۶۶.

فلاح، محمدصادق و شهیدی، صمد (۱۳۹۴). نقش مفهوم توده-فضا در تبیین مکان معماری. باغ نظر، شماره ۳۵، صفحه ۲۷-۳۸.

کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۵). بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع‌پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های فرهنگی دزفول و نیاوران. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۲۵، صفحه ۳۶۱-۳۷۳.

مهدی‌زاده سراج، فاطمه و نیک‌گفتار، عاطفه (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی راهکارهای دست‌یابی به آسایش، آرامش و تفکر در باغ‌های سنتی ایران و ژاپن. باغ نظر، شماره ۷، صفحه ۳۱-۴۲.

Postekkis, Alexandros (2010). Transactional Space, Perceptions of Architecture University of Nicosia.



تصویر (۵): مدل مفهومی عمق‌یابی سطوح حس مکان در بستر دسترسی. مأخذ: نگارندگان.

تصویر (۵) مدلی است که به صورت مفهومی رابطه میان دسترسی و مکان را بیان می‌نماید. در این تصویر دسترسی عاملی است که تجربه آن در اثر تداوم ارتباط با یک فضا به تدریج غنای بیشتری یافته و به عنوان وجهی از مکان از

- Heft H(2001). *Ecological Psychology in Context: James Gibson, Roger Barker, and the Legacy of William James's Radical Empiricism*. Lawrence Erlbaum Associates, Mahwah NJ.
- Inoue, M(1985). *Space in Japanese Architecture*. Weatherhill, New York/Tokyo.
- Itoh, T(1989). *The Elegant Japanese House Traditional Sukiya Architecture*. Walker/Weatherhill, New York/Tokyo.
- Ivan Blečić, Arnaldo Cecchini, Tanja Congiu,(2013). *A Design and Planning Support System for Walkability and Pedestrian Accessibility*. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- Jones MR & Boltz M(1989). Dynamic Attending and Responses to Time. *Psychological review* 96: 459-491.
- Lawrence, J. Howell(2016). *Etymological Dictionary of Han. Chinese Characters*.
- Low, S. M., & Altman, I(1992). Place attachment: A conceptual inquiry. In I. Altman, & S.M. Low(Eds.), *Place attachment*, pp. 1-12. New York: Plenum Press.
- Fujii, Machiyo(2015). *Urban Engawa / Verandah-Fuzzy Spaces In-Between Inside and Outside Making Interactive Spaces for Tokyo Urbanites*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of. University of Washington.
- Mahdzar, S.S.B.S(2008). *Sociability vs Accessibility Urban Street Life*. Doctoral thesis. University of London.
- Marc P. Keane(2012). *Japanese Garden Design*. Tuttle Publishing.
- Markovich, J(2013). Accessibility, Equity and Transport. In M. Givoni, & D. Banister(Eds.). *Moving towards Low Carbon Mobility*, pp.26-42.
- Locher, Mira, Simmons, Ben(2010). *Traditional Japanese Architecture: An Exploration of Elements and Forms*. Tuttle Publishing, 10 Nov 2010 - Architecture - 224 pages.
- Moore, R. L., & Graefe, A. R(1994). Attachments to recreation settings: The case of rail trail users. *Leisure Sciences*, 16(1), 17-31.
- Nitschke, G(1993). *From Shinto to Ando*. London: Academy Editions Erns & Son.
- Parent MN(2004). *Dictionary of Japanese Architectural and Art Historical Terminology*. Online [cited 10 September 2004].
- Patricia, Jonas(2001). *Japanese-Inspired Gardens: Adapting Japan's Design Traditions for Your Garden*. Brooklyn Botanic Garden.
- Preston, J, Rajé, F(2007). Accessibility, Mobility and Transport-related Social Exclusion. *J. Transp. Geogr.* 15, 151-160.
- Scannell, L., & Gifford, R(2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 1-10.
- Ana Gil Solá, Bertil Vilhelmson, Anders Larsson(2018). Understanding Sustainable Accessibility in Urban Planning: Themes of consensus, themes of tension. *Journal of Transport Geography Volume 70*, Pages 1-10.
- Batty, M(2009). Accessibility: In Search of a Unified Theory. *Environment and Planning B, Planning & Design*, 36(2), 191-194.
- Bognar(1988). *Japanese Architecture*. St Martins Pr, London, UK.
- Brown, A.E(2017). Car-less or Car-free Socioeconomic and Mobility Differences Among Zero-car Households. *Transp. Policy* 60, 152-159.
- Chen, Z, & Yeh, A.G.O(2019). Accessibility in Equality and Income Disparity in Urban China: A Case Study of Guangzhou. *Annals of the American Association of Geographers*, 109(1), 121-141.
- Engel, David H(1986). *Japanese Gardens for Today Hardcover - 1986*, Charles E. Tuttle.
- Sfakiotaki, Despina(2005). *Analysis of Movement in Sequential Space*. Oulun Yliopisto, Oulu.
- Cascetta, Ennio, Carteni, Armando, Montanino, Marcello(2012). *A New Measure of Accessibility Based on Perceived Opportunities*. SIDT Scientific Seminar.
- Erkut, G, & Özgen, C(2003). The Economic and Spatial Peripherality of Border Regions in South Eastern Europe. 43<sup>rd</sup> Congress of the European Regional Science Association: "Peripheries, Centres, and Spatial Development in the New Europe, 1-29.
- Budiloviča, Evelīna,(2019). *Decision Support Framework for the Urban Transport Interchange Transformation Based on the Principles of Sustainable Mobility*. Case Study of Riga City, Doctoral Thesis. Transporta UN sakaru institūts.
- Gärling, T, Steg, L(Eds.)(2007). *Threats from Car Traffic to the Quality of Urban Life*. Amsterdam, Elsevier.
- Geurs, K.T, & van Wee, B(2004). Accessibility Evaluation of Land-use and Transport Strategies: Review and research directions. *Journal of Transport Geography*, 12(2), 127-140.
- Giuliani, M.V(2003). 'Theory of attachment and place attachment', in Bonnes, M., Lee, T. and Bonaiuto, M.(Eds.) *Psychological Theories for Environmental Issues*, pp.137-170. Aldershot: Ashgate.
- Handy, S, & Niemeier, D.A(1997). Measuring accessibility: An Exploration of Issues and alternatives. *Environment & Planning A*, 29, 1175-1194.
- Hansen, W.G,(1959). How Accessibility Shapes Land Use. *Journal of American Institute of Planners* 25(1), 73-76.

Lived Experience of a Community Sociologist. *Society & Natural Resources*, 22(3), 191e210.  
Wachs, M, & Kumagai, T.G(1973). Physical Accessibility as a Social Indicator. *Socioeconomic Planning Sciences* 7(5), 437-456.  
Afacan, Yasemin(2011). Teaching Universal Design: an Empirical Research in Interior Architecture, *Procedia Social and Behavioral Sciences* 15, 3185-3192.

Spiekermann, K, &Neubauer, J(2002). European Accessibility and Peripherally: Concepts, Models and Indicators. *Nordregio working paper* 2002: 946.  
Thompson, F(1988). A Comparison between Japanese Exterior Space and Western Common Place. *Nordisk Arkitekturforskning* 1/2: 115-136.  
Tock Ohazama(1982). Transition Space in Japanese Architecture. The Florida State University, Tallahassee, Florida. *Journal of Interior Design Education and research*.  
Trentelman, C. K(2009). Place Attachment and Community Attachment: A primer grounded in the

